

بدون خرید کردن دستگاہ اداری هیئت حاکمه
کاری نمیشود انجام داد - در وزارتخانه ها، در مجلس و در همه جا عناصر خرابکار و
غیر صمیمی یافت میشوند - برای مقابله و مقاومت با توطئه مشترک امپریالیسم و

کمینفر میسوم تنظیم طرح اصلاحی ضرورت دارد
نیروی لایزال ملت پشتیبان و ضامن اجرای
اصلاحات اساسی است

سروشت نهضت ملی و ضد استعماری کشور ما از یکطرف چنان باسروش
و آینه ملت مرتبط و وابسته است و از طرفی چنان درخشیت دکتر مصدق و
سروش زمامداری دولت او توان و ترکیب گردیده که تفکیک آنها از یکدیگر
کاری محال و غیر قابل تصور بنظر میرسد.

علاقه و اهمیت که ملت ایران ببارزه و نهضت امروزی ابراز میدارد و
نگرانی عینی که زحمتکشان و محرومان از فعالیت عناصر غیر صمیمی و خرابکار
نشان میدهند ناشی از همین امر است.

تجربه سیام تیر و زمامداری کسانی مانند قوام السلطنه و دیگران که
اخرا دست بکار توطئه و تحریک شده بودند و تا نیرو تحول قطعی که این امور و
اتفاقات در کیفیت حل مسئله نفت و تعیین سروشت استعمار پیدا کرد این مسئله
را توجیه می کند که چرا ملت ایران اعتقاد قطعی خود را در مسئله نفت بدکتر
مصدق ابراز نمود.

۱۹ ماه گذشته حوادث و وقایع بحرانی آن دکتر مصدق را در کار نفت و
منافع ملت ایران و مبارزه با استعمارگران با آزمایشهای مکرری مواجه ساخت
و بارها امیدواریهای امپریالیستهای غربی و تبلیغات طبق فاشه و خرابکارانه
کیفرم را مواجه باشکست گردانید.
بقیه در صفحه ۴

مجلس را تماشا کنیم

لطفی و حاج سید جوادی در مجلس یکدیگر را بوسیدند
نمایندگان راجع بگمیتنه ترور بحث میگردند

بخشی در اطراف وقایع هفته گذشته

بابسته شدن مجلس سناو
لایحه تعقیب احمد قوام لایحه امنیت اجتماعی و
عملی شدن قطع رابطه سیاسی با انگلستان

صفحات تازه ای بر تاریخ مبارزات ملت ایران
افزوده شد

باند مخرب توده های برای خوش خدمتی بارباب همچنان باخلال
مشغولست - دولت باید دستگاههای اداری خود را اصلاح کند
تا بتواند قوانین اصلاحی را اجراء کند

پیشک دو هفته گذشته از بر حادثه
ترین هفته های بودند که در ظرف
مبارزات درخشان ملت ایران پیش آمد
کرده است در این چندروز دولت دکتر
مصدق که پس از قطع رابطه با دولت
استعماری انگلستان خود را موظف بقطع
ایادی داخلی آن دولت و شروع اصلاحات
داخلی میدانست دست با اقداماتی زد که
در تاریخ مبارزات ملت ایران علیه استعمار
پس سابقه بودند و با این اقدامات فصل نویسی
برای ملت ما گشوده شد و وظایف سنگینی
بهمه ملت ایران واگذار گردید که اگر
از وظایف سابق سنگین تر و پر مسئولیت
تر نباشد کترینست

بقیه در ص ۴

تفسیر سیاسی

بخشی درباره موافقت نامه ای که در دو روز پیش
بین مصر و جبهه استقلال سودان امضاء شد

آیا این موافقت نامه نظریات مردم مصر را تامین می کند یا
مقاصد استعماری بریتانیا را؟

مادر تفسیر سیاسی هفته گذشته که
در پیرامون وقایع اخیر مصر نگاشته بودیم
اوضاع اجتماعی و سیاسی سودان، نظریات
مصر و انگلیس را درباره این کشور آفریقایی
و بالاخره نتایج استقلال آن را مشروحا
بیان کردیم، و گفتیم که از ظاهر امر
پیداست که مذاکرات الهیدی لیدر حزب
«ام» سودان که مورد حمایت انگلیس
هست با ژنرال نجیب نهضت وزیر مصر
بجانبی منجر خواهد شد که سروشت سودان
رابطه قطع روشن خواهد کرد، اخباری که
در این دوره از مسرور اصل شده، صحت
پیش بینی ما را ثابت کرد و معلوم شد که بین
مصر و الهیدی موافقت نامه ای باامضاء
رسیده است و ملازم میدانیم قبل از این
که موافقت نامه و نظریات خود را در
این مورد بنظر خوانندگان برسانیم، بعنوان
مقدمه متذکر بشویم، در سال ۱۹۹۹ بیانی
بین انگلیس و مصر منعقد شد مبنی بر این
که مصر و انگلیس مشترکا

سودان را اداره کنند ولی انگلیس علا
مصر را از میدان خارج کرد و شخصاً اداره
سودان را بعهده گرفت، لیکن پس از
چنگ جهانی اخیر که تحولاتی در دیار
داد و مصریان جدا کوشیدند تا گانال
سوز را از قشون انگلیس خالی کنند و
وحدت دره نیل یعنی الحاق سودان به مصر
را جامه عمل پوشانند انگلیس در پی این
برآمد که سودان استقلال بدهد و پس از
آن با انعقاد یک بیان نظامی نفوذ سیطره
خود را کماکان تثبیت کند زیرا سودان
امروزی یکی از پایگاههای مهم انگلیس
است و این کشور میلیونها لیره صرف
ساختن استحکامات نظامی در سودان
کرده است و از طرف دیگر از نظر
اقتصادی سودان برای انگلیس واجد کمال
اهمیت است
اما نظر مردم مصر در باره سودان اینست که
چون رود نیل یعنی تضمین کننده اقتصادیات مصر
از سودان سرچشمه میگردد و از جانب
بقیه در ص ۴

ناوک

افکار عمومی ایران را با تبلیغات کمینفر میستی
نمی توان تسخیر کرد

امریکائیکه مهد آزادی بود و امریکائیکه امپریالیست است
نقاشی که تابلوهای الوانی را در مسئله نفت
نقاشی کرد

در این او را کمینفر میستها کوشیده اند که جهان بینی خود را حتی بیخالفین
خود نیز تحویل نمایند
آنها همیشه مخالفین طرز تفکر خود را خواسته اند تا به تبهتانی از قبیل
«عامل امپریالیسم» و غیره ساکت نگه دارند و حتی القودور آنها را نیز در منفی
بانی هم، آنگاه خود سازند.
بقیه در صفحه ۳

آذربخش

افکار عمومی ایران را با تبلیغات کمینفر میستی
نمی توان تسخیر کرد

امریکائیکه مهد آزادی بود و امریکائیکه امپریالیست است
نقاشی که تابلوهای الوانی را در مسئله نفت
نقاشی کرد

در این او را کمینفر میستها کوشیده اند که جهان بینی خود را حتی بیخالفین
خود نیز تحویل نمایند
آنها همیشه مخالفین طرز تفکر خود را خواسته اند تا به تبهتانی از قبیل
«عامل امپریالیسم» و غیره ساکت نگه دارند و حتی القودور آنها را نیز در منفی
بانی هم، آنگاه خود سازند.
بقیه در صفحه ۳

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

برای قضاوت های سیاسی باید
واحد مقیاسی داشت - نهضت و دولتی که در
مقابل اخلالگران از خود دفاع نکند - نه نهضت است
و نه دولت - سیاست استعماری بدست توده ایها مدتی
است امنیت اجتماعی ما را بخطر است
دولت باید از خود دفاع کند و در سایه آن بناماید

از بدو مبارزه برای ملی شدن صنعت نفت ایران هیئت تحریریه روزنامه ارکان
حزب زحمتکش که تا چند روزنامه شاهد را اداره می کرد در باره مسائل مهمی که پیش
می آمد یک خط مشی ثابت و مشخص را که بر خلاف انکار دیگران بود پیش
میگرفت. متدرجا سایر جرائد و افراد و جمعیتها و احزاب ملی نیز بالاخره همان
خط مشی را قبول می کردند علاوه بر هیئت تحریریه حزب زحمتکش حزب توده نیز در
قضاوت های خود خط مشی مبنی را تعقیب می کرد از این دو تمایل سیاسی گذشته
عمال انگلستان نیز خوب می دانستند که ارباب آنها چه میخواهد. وجه روشی را
باید پیش بگیرند. مثلا موضوع ملی شدن نفت سراسر ایران موضوع هوا داری از
صلح مسئله لزومی و کوشش برای جدا کردن امریکا از انگلستان در مسئله
بقیه در صفحه ۲

از خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

از : خبرنگار پارلمانی ما

نیروی سوم

بیروز میشود
ارکان حزب زحمتکش ملت ایران

شماره (۱۵)

روزانه

شنبه
۱۱ آبان ۱۳۳۱

اعلامیه!

مقامات مربوطه، ناچار خواهند بود تا
اگر از لحاظ «انجام وظیفه» هم شده باشد
بجین اقدام خفان آمیزی دست بزنند.
در روزهای اخیر، اگر بشما باز
وبوسی آینده نظر می افکندید، ملاحظه
میکردید که میان مندرجات این روزنامه
ها با رزم مردم و ظفر، دیگر هیچگونه
اختلافی موجود نیست و حتی در بعضی مواقع
دشنامهایی که ارگانهای روی زمینی
پیشتران به «مقامات عالی» و «مصادر
قدرت» میدهند خیلی آبدارتر و آشکار
تر از دشنامهایی است که ارگانهای زیر
زمینی همین فرقه، تبار همان عناصر
میکند!

آقایان توده ایها با وجود اینکه
میدانستند تندرویهای ایشان محظورانه ای
برای دولت مصدق ایجاد خواهد کرد و با
وجود آنکه میدانستند مقامات عالی در
قبال حیلات ایشان خاموش نخواهند نشست
و هر طور هست برای حفظ صیانت و «ندرت»
بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

بقیه در صفحه ۴

پیام آیدن بدکتر مصدق چه بوده است؟ در بین عشایر جنوب
تحریکاتی می شود - گذارشات خلاف واقع در باره کودتا چیان
بدکتر مصدق - توده ایها علیه آیت الله ناشانی شعار میدهند
میراشرافی در اداره گذرنامه کارچاق نمی میکنند -

پیام آیدن بدکتر مصدق چه بوده است؟

تحریکاتی می شود - گذارشات خلاف واقع در باره کودتا چیان

بدکتر مصدق - توده ایها علیه آیت الله ناشانی شعار میدهند

میراشرافی در اداره گذرنامه کارچاق نمی میکنند -

پیام آیدن بدکتر مصدق چه بوده است؟

تحریکاتی می شود - گذارشات خلاف واقع در باره کودتا چیان

بدکتر مصدق - توده ایها علیه آیت الله ناشانی شعار میدهند

میراشرافی در اداره گذرنامه کارچاق نمی میکنند -

پیام آیدن بدکتر مصدق چه بوده است؟

تحریکاتی می شود - گذارشات خلاف واقع در باره کودتا چیان

بدکتر مصدق - توده ایها علیه آیت الله ناشانی شعار میدهند

میراشرافی در اداره گذرنامه کارچاق نمی میکنند -

پیام آیدن بدکتر مصدق چه بوده است؟

تحریکاتی می شود - گذارشات خلاف واقع در باره کودتا چیان

بدکتر مصدق - توده ایها علیه آیت الله ناشانی شعار میدهند

میراشرافی در اداره گذرنامه کارچاق نمی میکنند -

پیام آیدن بدکتر مصدق چه بوده است؟

تحریکاتی می شود - گذارشات خلاف واقع در باره کودتا چیان

This object has been digitised and made available by The University of Manchester Library.

For further information and details about terms of use, see the Library's website -

www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing.

قبول توجه کاربران مجازی :

این سند توسط کتابخانه دانشگاه منچستر دیجیتال سازی و عرضه شده.

برای اطلاع بیشتر درباره شرایط استفاده از این منبع الکترونیک، لطفاً به لینک زیر مراجعه فرمایید:

<http://www.manchester.ac.uk/library/copyright-and-licensing>

بر اساس این مقررات، هر نو استفاده از این سند باید با ارجاع مناسبی به کتابخانه دانشگاه منچستر انجام بگیرد.

مجلس

بقیه از صفحه ۱

شد. ازدورخیلی به ستاورها شبیه بود و بهین جهت حاج سیدجوادی باو چپچپ نگاه میکرد و زیر لب غرض می کرد ولی وقتی نزدیک آمد معلوم شد آقای لطفی وزیردادگستری است که با اتفاق معاوش مجلس آمده.

حاج سید جوادی با اشتیاق فراوانی بطرف لطفی رفت و کویا می خواست معاون لطفی را نوازش کند که لطفی پیشدستی کرد و حاج سیدجوادی را در آغوش گرفت بوسه گرمی زد و بدل گردید دو ریشوهمدیگر را بوسیدند در همین ضمن شهبی نماینده جوان ادرسراسرا خارج شد و حاج سید جوادی دست در دست او انداخت و با اتفاق یکدیگر بقم زدن پرداختند.

چهل و نهمی

در کردیدورها و سراسر نمایندگان ازمشتر نشن روزنامه های توده ای و تشکیل کبیته ترور توسط حزب توده صحبت می کردند. چند نفر از نمایندگان دوریک دیگر جمع شده بودند یکی از آنها بانگرای می گفت:

خوب اگر این خبر درست باشد کبیته ترور از که شروع خواهد کرد یکی دیگر با لهجه ترکی گفت:

خیالت جمع باشد قبل از نمایندگان مجلس خیلی از اشخاص هستند که از آن ها شروع بشود اصلا نمایندگان در درجه چهل و نهم هستند!

اولی جواب داد:

امیدوارم چهل و نهمی تو باشی!

آقای زهری کاغذ افتاد

در این موقع زهری با بیعالی خاص خود از سرسرا بیاغ مجلس آمد با این که کیف بزرگی در دست داشت وقتی از سرسرا خارج میشد ضمن راه رفتن کاغذ از او بر زمین میریخت دکتر سنجابی هم که از عقب او خارج میشد مرتب می گفت:

آقای زهری کاغذ افتاد

زهری خم می شد کاغذ را بر میداشت ولی راه نیافتاده یکی دیگر بر زمین میافتاد

سوره قابل توجه

خبر نگاران کیهان و اطلاعات و باختر برای بدست آوردن خبرهای بیشتری با یکدیگر مسابقه گذاشته بودند و هر نماینده ای را که می دیدند هر سه بطرف او هجوم میآوردند.

کویا از طرف سردبیر هاتویبغ شده بودند این بود که بازار رقابت خبرنگاری رواج داشت خبرنگار اطلاعات که با تریف و تمجید خود از اخبار مجلس نیروی سوم را شرمند و همچنین تشویق کرد با اتفاق خبرنگار باختر امروز بطرف حقیر آمدند خبرنگار اطلاعات گوشه ای از باغ را نشان داد که آقای ملک اسمعیلی معاون وزارت دادگستری با یکی از مامورین آگاهی صحبت میکرد و گفت:

— برای تو سوره خوبی است!

ولی مامور آگاهی از آقای معاون جدا شد خبرنگار اطلاعات باو گفت:

— با آقای معاون دادگستری چکار داشتید!

مامور جواب داد:

— عجب! شخصی که من با او صحبت میکردم معاون وزارت دادگستری بود خبرنگار اطلاعات دست او را گرفت و هر دو بطرف آقای معاون روان شدند معلوم شد کدامیک میخواهد دیگری را بمعاون معرفی کند!!

گزارات زیر لاله زاده

وقتی زیر لاله زاده از سرسرا خارج شد خبرنگارها نگاهی یکدیگر کرده و خندیدند یکی از آنها گفت:

— زیر لاله زاده يك كراوات شیکه دازدو همیشه آنرا میزند!

بالاخره خبرنگارها طاقات تیاوردند و بخودش موضوع را گفتند

برای قضاوت های

بقیه از صفحه ۱

نفت ایران «اتلای» که حزب توده بجهت ملی پیشنهاد میکرد. در تمام این موارد سه خط مشی مختلف و متمایز و در حین حال مشخص وجود داشته است آنچه در اینجا مورد مطالعه ماست این حقیقت است که در دهن نهضت ملی ایران در مدت دو سال اخیر همان حزب زحمتکشان و ارگکان تحریریه آن بوده است که بدون نوسان و با قاطعیت و آگاهی قضاوت های سیاسی رامی کرده مثلا در موضوع ملی شدن نفت می دانیم که خیلی از میلیون در آنروز هانوز در تحت تاثیر تبلیغات گمراه کننده توده ایها ملی شدن نفت را فورمول توماس انگلیسی معرفی می کردند اما عده ای از همان افراد بزودی در نتیجه تبلیغات و استدلال های مانتقاعد شدند و از نظر به اول برکنشند راجع به هواداری از صلح کسی فراموش نکرده است که تقریبا تمام اعضاء جبهه ملی تصبیحات کنگره موسوم به کنگره صلح است که صلح را پذیرفته و امضا کرده بودند وقتی دو نفر از اعضاء برجسته جبهه ملی نامدتی عضو کبیته صلح اگدائی بودند ما از اول کارشان دادیم که این هوا داران صلح، جنگ برای ملل کوچک و صلح برای شوروی می خواهند تا امروز ماسک از چهره آنها برداشته شد و مندرجا آنها یک در اشتباه بودند امروز با اشتباه خود پی برده اند.

اگر هیئت تحریریه ما نواسته اند صحیح ترین قضاوتها را بکنند برای اینست که ممانند خیلی از آزادی خواهان و یا متداین به نهضت های چپ و سوسیالیسم اطلاعات و معلومات قضاوت های خود را از انتشارات توده ایها اخذ نکرده ایم بلکه از منابع اصلی سوسیالیسم و نهضت کارگری و تاریخ آن مطالعات تاریخی خود را اخذ می نمایم.

در کشور ما سوسیالیسم بیشتر از روزنه حزب توده معرفی شده و بهین مناسبت سوسیالیسم در خدمت هدفهای دولت شوروی قرار گرفته و برای آزادی خوانان دینی ما و سوسیالیست، ما بان ما و یا برای آنهاییکه میخواهند با آزادیخواهی تظاهر کنند گرچه با حزب توده مخالفند ملاک قضاوت آزادیخواهان گفته ها و نوشته های هر اندام حزب توده است و هر امر مدتی طول کشیده است که در ضمن عمل ما باین آزادیخواهان یا سوسیالیست، بان با حسن نیت و با مظاهر بیان حالی کنیم که این ادعا های حزب توده اصیل نیستند و منظور آنان از مبارزه ضد استعماری شوروی خدمت و منظور از صلح ایجاد جنگ خائنی و منظور از ائتلاف ایجاد تفاق و تشقت در نهضت های ملی است

ما با واحد مقیاس صحیحی که در دست داریم میتوانیم اندازه بگیریم و با اندازه قضاوت کنیم و مانند آزادیخواهان دینی با کول دیگران بیسانه نمیکنیم و بهین مناسبت در تمام موارد که دقت شود قضاوت های ما دیر یا زود خط مشی نهضت ملی قرار گرفته است.

مثلا در موضوع قطع رابطه سیاسی با انگلیس هابضی ما آزادیخواهان دنبال حزب توده میروند و بطوریت و بلا درنگ قطع رابطه با انگلستان و اخراج مستشاران آمریکائی رامی خواستند ما نشان دادیم که قطع رابطه برای ما وسیله است نه هدف قطع رابطه میکنیم که بالاخره رابطه منطقی تر و منطقی باصل تزاری ایجاد کنیم، با لکس آنهاییکه مسابقه ناشیانه آزادیخواهی با حزب توده گذارده اند و در حقیقت مسابقه منفی باقی با آنها گذارده اند

کفتم که در قطع رابطه سیاسی با انگلستان نباید عجله بفرج داد گرچه انگلیس ها بالاخره آرا با تحصیل خواهند کرد ما یکس توده ایها گفتیم عقب افتادن قطع رابطه ائتلاف و وقت نیست ما هر کاری از لحاظ اصلاحات داخلی داریم در حین حال میتوانیم انجام دهیم اما لازم است حسن نیت خود سوسو بیت انگلستان را با به افکار عمومی جهان و دولت امریکاشان دهیم.

در صلح هم معلوم شد که قطع رابطه بدون عجله بهتر بود و بالاخره در مورد فرستادن یادداشت لاقابل امضای امریکارا از برای یاد داشتها با ایران برداشت و شکافی را که ما باید بین این دو دولت بوجود آوریم وسیعتر کرد.

در مسئله قانون امنیت اجتماعی نیز همین طود است قانون امنیت اجتماعی حالت خاصی از يك مسئله کلی است موضوع اینست که آیا دولت ملی دکتر مصدق و یا هر دولت ورژیم ملی آیا باید از خودش دفاع کند یا نه آزادی عقیده و تبلیغ برای آن یک چیز دیگر است و آنچه حزب توده میکند یا چیز دیگر حزب توده بدون اینکه قدرت قدرت داشته باشد نمیتواند حکومت میکند یعنی با قیلت کوچک بزور راه را ایجاد وحشت بزود تلقین موقت های غیالی آینه ای دولتی که با ما چند هزار کیلومتر مرز مشترک دارد بزرگترین سیاستمداران را می ترساند و جلب میکند در ادارات دولتی بزور شتم و ضرب و تهدید و تشویب میخواهند مردم را جلب کنند این اصول تازگی دارد با اصول آزادیخواهان قرن هیجده و نوزدهم نمیتوان جلو آنرا گرفت آنها هم در موقیت حساسی مانند حال که قطع رابطه با انگلستان شده.

يك دستگاه عظیم تبلیغاتی توده ای و انگلیسی فریاد با سمان بلند کرده اند و شور و زو با روزنامه های رنگارنگ و وسیع خود داد میزند که قانون امنیت اجتماعی را جاسوسان امریکائی دست کرده اند و آزادیخواهان دولت نشو و منقلما نیز بدون فکر از ترس منمشن با امریکائی بودن با آنان هم آواز میشوند و اقداماتی میکنند و قلمفرسائیهای نمائنه تا سنک را به پندند و سک را آزاد کنند. مطابق اطلاعات موقتی که از محافل دول فریبی تهران بدست آمده انگلیس ها با امریکائی ها تلقین کرده اند که مصدق اصول فاشیستی هیتلر و موسولینی را در دست با همان بهانه ضد کمونیستی شروع کرده است و امریکائی های آزادیخواه نیز از روش فاشیستی دکتر مصدق خیلی نگران شده اند! یعنی قانون امنیت اجتماعی را امریکائیا شروع دوره فاشیستی تلقی کرده اند زیرا انگلیس ها اینطور میخواهند آنها میل دارند که مستقیما بس از قطع رابطه با انگلستان اغتشاشات و اعتصابات و استفاده از عدم رضایتها در همه جا شروع شود و قطع رابطه با انگلستان به قطع رابطه با امریکا نیز منجر گردد البته توده ایها یک آلت و ابزار مفید و موثری برای اجرای این خواست انگلستان میباشد اما از طرف دیگر مصدق با انحلال سنا و با وضع قانون امنیت اجتماعی میخواهد خدمت توده ایها را به انگلستان و در حقیقت به هدف مشترک موقت انگلستان و شوروی غیر ممکن سازد البته تعجب نداشتیم که تمام چراغ توده ایها از سرتاپا اعلان جنگ حیاتی و منافی به قانون امنیت اجتماعی و مصدق بدهند.

تعجب اینجاست که عده ای از مدعی ملی بودن نیز در این باره با آنها هم - آواز شوند.

بضی می گویند اگر جلوگیری از اعتصاب بد است اگر حکومت نظامی بد است چرا بدست مصدق خوب است آری ما ده می کنیم که يك قانون واحد در دست رژیم آرا بد و در دست مصدق ممکن است خیلی خوب باشد همانطور که شمشیر در دست و نغمه ممکن است برای دو هدف کاملا متضاد بکار رود.

نواقص قانون و بد بودن مجریان نیز نمیتواند دشمنی با امنیت اجتماعی را توجیه کند.

بس از ملی شدن نفت مگر توده ایها یک انگلیس ها در آبادان اعتصاب راه نیانداختند آیا این اعتصاب خدمت نهضت کارگری بود یا خیانت بان آری حکومت نظامی آنوقت در آبادان که همه میلیون تصدیق کردند مجریان بهتری داشت مگر همه سر و ته یک کرباس نیستند.

سعی و کوشش ملیون با حسن نیت باید در نواقص قانون و اجرای صحیح آن باشد نه دشمنی و فلج کردن آن. بضی ها که از اصول نهضت کارگری بی اطلاع اند با اعتصاب شوخی میکنند هر روز اعتصاب راه می اندازند و فردا میشکنند و کارگران را مایوس و نومید بدمان حزب توده روانه می سازند.

يك نمونه از همزیستی دو سیستم

قابل توجه آقای وزیر فرهنگ

آقای رئیس فرهنگ دامغان اخلاک گران را بسمت

ریاست دبیرستان برمیگزیند

فرب خوردهگان توده ای که بفرمان مبداء اصلی در همه جا و همه حال وظیفه ای جز خرابکاری و ایجاد خصمانه ندارند گاهی با تجسم رفاه و آسایش دهقانان دژ دحمت کسانا و بهشت آزادی خواهان یعنی کشوری که بس از طی مرحله سوسیالیزم و در آستانه کمونیزم تازه بفر تبه خانه برای کارگران نفت با کوفتاده برزگران دعات دامغان را تحریک به آشوب و بلوا کرده و زمانی با نقش شمارهای ضد مصدق و کاهانی برد و دیواد دبیرستان و مهمل باقی دبیران و آموزگاران دانش آموزان ملی را عصبی و وادار با اعتصاب میسازند

البته در این جریان بیطرفی بعضی از روسای جنت مکان ادارات دولتی را هم باید کاملا دخیل دانست و نباید فراموش کرد که اگر اداره فرهنگ دامغان آموزگاران را که همین نزدیکی بجرم تحریک دهقانان و اخلاک در نظم و آرامش این سامان تحت پیگرد قرار داشتند در دبیرستان مشرک نبی ساخت و ریاست دبیرستان را بدبیری که نزدیک به دو سال بجرای نظیر آنچه نگاشته آمد منتظر خدمت بوده محول نمیکرد و خلاصه اگر اداره فرهنگ سنک را نمی بست و سنک را رهان نیساخته روشن تر گفته شود اگر اداره فرهنگ باخلاق گران مجال کار شکنی و آشوب نیساخته و باناسی بر رئیس دانش آموزان و معلمین را به محاکمه صلح تسلیم میکرد چینی وضعی پیش نمی آمد و برای چند روز دانش آموزان از تحصیل باز نیسازند

اکنون هم اگر آقای رئیس فرهنگ از گذشته عبرت نگیرد و وقایع آموزنده سال قبل را نشنیده و حوادث اخیر را ندیده اعتماد و لاجرم آموزگاران افضال شده و فریب گر را از دبیرستان براند هر روز حادثه جدید رخ خواهد داد و زود خود تازهای بوقوع خواهد پیوست و ای بسا ممکن است جلوگیری از این مضنیر که اکنون با بیل میسراست فردا با بیل هم امکان پذیر باشد

مانعلا در انتظار اقدامات مجدده آقای رئیس فرهنگ روز شماری میکنیم و در هر صورت باز هم در این مقوله صحبت خواهیم کرد

روز نامه محترم شاهد ارگان سابق حزب زحمتکشان ملت ایران!

از من خواسته اند که بیام و موضوع «شریات حزبی» را روشن نمایم، در نظراول که من این «دستود» را در روزنامه «شاهد» خواندم، نظر بسوابق ذهنی و نظریاتی که سابقا مرا بر روزنامه شاهد پیوند داده بود، فکر کردم که باید این «دستور حزبی» را بپذیرم، فکر کردم که زود بیام و موضوع «شریات حزبی» را روشن کنم ولی ناگهان پیوند فکر از سوابق ذهنی جدا شد، و در یافتن اگر هم قرار باشد راجع بشریات حزبی «صحبت» بکنم، جای این «صحبت» معلی نیست که روزنامه شاهد بن من شناساند، در یافتن که روزنامه شاهد دیگر آن شاهد نیست که من میشناختم، در یافتن آن دو دو بد و او آن سخنانی که شاهد ما آنرا «کلوب حزبی» میخواند، دیگر «کلوب حزب» نیست، بکنجا بیام؟ باکی تصفیه حساب کنم؟ کدام نشریات را میگویند و از کدام کدام حزب نام میبرند!

آن نشریاتی را که شما میگویند، نشریاتی نیستند که شما میگویند، آن نشریات همگی مربوط به «حزب زحمتکشان ملت ایران» میباشد، که ربطی بشما ندارند، نویسندگان آن نشریات افراد دانشمند حزب زحمتکشان ملت ایران هستند، که شما در آنها دخالتی ندارید، آن نشریات را استاد داشتند، غلیل ملکی نوشته است، آن نشریات را افراد تحصیل کرده حزب ما، دکتر محمد علی خنصی ها، جلال آل احمدها، مهندس قندهاریان ها، مهندس موجدیها و کسانیکه عضو حزب زحمتکشان ملت ایران میباشند، نوشته اند، نشان بدهید کسی را یا کسانی را که در نوشتن و در انتشار دادن نشریات مزبور، دخیل بوده است که باشما و نزد شما دانست.

اگر احتیاجی به تصفیه حساب باشد، مرا روزنامه نیروی سوم، ارگان حزب محبوبم فرا خواهد خواند و من نیز باین دستور حزبی با کمال اشتیاق عمل خواهم کرد و در هر حال روزنامه شاهد را بنا بر ارگان و محل اداره شاهد را کلوب حزب زحمتکشان نبشنام، و خواهش منم آنقدر از نشریات حزب بودا که در کتب کلوب سابق مانده است، هر چه زودتر بن باز گردانید، تا بنویسدگان آن نشریات و افراد حزب زحمتکشان ملت ایران، صورت وزیر آرا تصدیق بنام.

علی - شریفی

بیانیه زنجانیهای مقیم تهران عضو حزب زحمتکشان

ملت ایران

هم میهنان! از توطئه های دامنه داری که اخیرا برای سقوط دکتر مصدق ترتیب داده شده بود بخوبی آگاه هستید در موقیت کنونی که با رهبری خردمندانه دکتر مصدق موقیت های بزرگی نصیب ملت ایران گردیده است بطور مسلم هر گونه عملی که بتوقیت نهضت ملی، صدمه بزند خیانت مسلم ملت ایران است.

تفرقه ای که در حزب زحمتکشان بادست بعضی عناصر انداخته شده بدون شك شریتی بود که از پشت نهضت ملی ما وارد آمد. ولی ما برای تحقق بخشیدن با مال و آرزوهای میلیونها دهقان و کارگر و روشنفکر حزب زحمتکشان یگانه دژ تسخیر نابذر و یگانه سنگر ضد استعماری ملت ایران روی آورده ایم و با مکتب مترقی آن بسوی پیروزی نهایی بیش میرویم، اکنون هم وفاداری خود را نسبت به طبقات محروم و مستبدیده ملت ایران اعلام میداریم و باطنینان می دهیم که بدون اندکی انحراف با بیسابقه با ملت خود بسته ایم و وفادار خواهیم بود.

زنده باد حزب زحمتکشان ملت ایران

عباس صراف - میرزا آقا بحرینی - باقر محمدیون - مرتضی مظفری بیوک امینی

در مدت قطع رابطه با انگلستان هر کار که آشنا با اصول می دانند چاباید اعتصاب بشود مگر در راه آهن و دانشگاه ملیون خود از اعتصاب جلوگیری نکردند مگر این زدو خورد ها مورد استفاده انگلستان قرار نی گیرد اگر دولت قانونا از این اخلاک و تشنج جلوگیری کند چه خواهد شد!

البته آگاهی که عجله دارند که مثلا جانشین این و یا آن وزیر شوند اعتصاب و تحریک ناراضی را آلت مفیدی برای رسیدن به هدف می دانند و با آن همسایکه می خواهند مصدق را هر چه زودتر ساقط کنند و بدست ماجراجویان دشته بدست انقلاب راه بیاندازند حق دارند با قانون امنیت اجتماعی در دست دشمن باخته مایر بساین قانون ایرادات و اعتراضات داریم اما در صورتی که نتوانیم بزودی این معایب قانون و جنبه اجرایی آن را رفع کنیم ممدک بودن آن و اجراء شدن ناص آن را بهتر از این می دانیم که انگلیس ها با ایجاد هر چه موفق ساقط کردن دولت گردند بهین مناسبت ماضیه داریم که وظیفه دولت این نیست که تماشا کند و ببیند این و یا آن حزب آزادیخواه چگونه امور کشور را فلج می کنند دولت باید در جریان حوادث دخالت کند از نهضت ملی دفاع کند نقش دشمنان را خنثی نماید آینه بار دیگر صحت قضاوت ما را روشنتر از امروز نشان خواهد داد

بدون غرور و دگر دن

بقیه از صفحه ۱

پس از ۱۹ ماه مبارزه که ملت ایران بر رهبری دکتر مصدق امپریالیسم فرعون متزلزل برپا نیاردا قدم به قدم نشاید و نقشه های کینه فرم را برای شکست نهجی که مطیع مسکون بود و بهین گناه دچار عتوب و خشم مدعیان رهبری سوسیالیسم واقع گردید برهم زد امروز کشور ما در مرحله نوبی گردیده است. ما با انگلستان قطع رابطه سیاسی کرده ایم و از ملل اختلافی که با یک شرکت تجاری داشتیم و دولت انگلیس بی جهت خود را در وسط این رابطه بود بطور موقت و مستقیم چشم پوشیدیم.

در این موقعیت و شرایط استعمار میکوشد با تضعیف بنیه اقتصادی ایران و محاصره کردن آن ما را بزانو درآورد و به نظریات او تسلیم شویم. در مقابل امپریالیستها ستون پنجم کمینفرم یورپزدگان گوش فرمان سرخ دستور گرفته اند با ایجاد اغتشاش و آشوب و اخلاص در همه کارهای تولیدی و دستگاههای کشور تمام راه هارا جز آن که به مسکو منتهی میشود پروری ما بیندند و ما را متوجه راه حلی سازند که کرملین در آن نقش اساسی داشته باشد.

اتحاد این دو سیاست در خارج از مرزهای ایران و بر اساس تئوری همزیستی مبنی بر یک تصبیم و تفاهم و اتحاد هم هست. مسکو و لندن متبهاست به تقسیم عادلانه و متصفانه ایران توافق کرده اند و این عوامل و شرایط دیگری است که مانع از اجرای مقاصد آنها شده است.

وظیفه نهضت ملی در این شرایط چیست و رهبر مبارزه ضد استعماری چه برنامه ای در پیش دارد. همین جا است که یکبار دیگر مسئله قدیمی مطرح میگردد. دستگاه اداری کشور بعنوان یک ماشین فرسوده و زنگ زده تجسم میشود و اراد و عناصر خرابکار و نیاخت پیشه که در تمام موقیعت های اداری و حساس موضع گرفته و متمرکز شده اند. با اینجه سال سابقه فانیست استعماری میزنند بکنک ستون پنجم کمینفرم و با استفاده از عناصر ضعیف و سست اراده هر نوع نقشه اصلاحی را خنثی کنند و از هر اقدام مفید و موثری نتیجه متکوس بگیرند.

مرحله فعلی مبارزه یک مرحله مثبت و سازنده است. در دنباله انحلال مجلس شیوخ و تصویب قانون اجتماعی بدون شک باید دست با اقدامات اساسی و اصلاحی زد. بیش از این ممکن نیست دهقانان را در وضع و محرومیت های فعلی محکوم گردانید زیاد تر از این نمیشود به تقاضای توده های مردم بی توجه باقی مانده موضوع مالیاتهای تصاعدی بر درآمد و ثروت و تقلیل کرایه خانه ها. اموری است که مورد تقاضای اکثریت مردم قرار دارند.

ولی با کدام دستگاه و بدست کدام عناصر و افرادی باید این برنامه ها اجرا شود، آیا حسن نیت و تنه اقصا اصلاح از طرفی دکتر مصدق کافی است. آیا با وضع قوانین معینه و بدست مجریان مغرض می شود اصلاحی را عملی کرد.

ملت ایران به تنه است دستگاه اداری فعلی را که صرفا بسنطور اجرای مقاصد استعماری و منویات هیئت حاکمه بوجود آمده است عملا محکوم کرده است کدام یک از این دستگاههای اداری کشور کدام وزارتخانه کدام موسسه عمومی است که بغیر و مصالح مردم کام بر میمدارند و از مصالح عمومی بیرونی میمانند. آیا با این دستگاه و با این امپریالیسم ممکن است کاری انجام داد. قبل از طرح و تنظیم نقشه های اصلاحی و قبل از وضع تصویب قوانین مفید باید بدستگاه مجربان این نقشه و قوانین توجه داشت. شکی نیست که تغییر و تصفیه دستگاههای دولتی یک باره و یک جا میسر نیست و باید بتدریج شروع کرد ولی صحت در همین است که باید شروع کرد. باید تصفیه دستگاه اداری و طرفدو خارج کارمندان و کارگردانان استثنای زامرچه زودتر شروع کرد و مقدمات اصلاحات اساسی را بوجود آورد.

باید این دستگاه اداری فاسد و این عناصری که سالها با استعمار گران کار کرده اند و امروز هم منافع خود را در مقاومت و کار شکنی با نهضت ملی سراغ کرده اند در هم بپاشند و دستگاههای که با نهضت بزرگ ضد استعماری و اصلاحات مورد تقاضای ملت ایران تماس داشته باشد از نو بوجود آورد.

ملت ایران میواند که دکتر مصدق در این نبرد بزرگ تنه است و در میان هیئت حاکمه و کسانی که دکتر مصدق را احاطه کرده اند افراد و عناصر صبیبی و کارگران که با نهضت و اقدامات او هم آهنگی داشته باشند کم است. اما متغایا ملت ایران نیروی لایزال و بی پایان خود را پشتیبان و ضامن اجرای اصلاحات دکتر مصدق قرار داده است و از هیچ نوع فداکاری در راه تحقق آرزوهای ملی خود روگردان نیست.

آقای دکتر مصدق امروز کشور ما در آستانه یک تحول اساسی و قطعی قرار گرفته است و شما در این دقیق و لحظات تاریخی مسفولیت بزرگی بر عهده دارید. در عین حال دشمنان تاریخی ایران با زدیگر علیه ما کمین گرفته اند و در صدد آنند که با تلافی یا بطور اقراضی ملرا در وجهتی سیر بدهند که منطق و منافع و مقاصد استیلاجویانه آنها باشد. تنظیم یک نقشه اصلاحی اساسی و اجرای زرفرمهای اقتصادی از طرفی دولت شما را با استفاده از پشتیبانی عمومی ملت نهضت منتهی است که برای خنثی کردن نقشه های استعمار و کمینفرم وجود دارد و در غیر این صورت آینده

آبهای آمیز می شود. آقای دکتر مصدق تاریخ سرنوشت آینده ایران را در دستهای شما قرار داده است و ملت ایران برای انجام آرزوهای و تقاضاهای خود نیروی خود را پشتیبان شما قرار میدهد. شما باید تاریخ آینده ایران را بسازید و نقشه های بیگانگان را خنثی کنید. ملت انتظار دارد که این ماموریت تاریخی را هر چه زودتر آغاز نمایید.

آقای غورالموتی توده ای نیستند. متأسفانه چند روز پیش خبری در روزنامه مابدون میبزی مطلبی درج شده بود و از آقای غورالموتی، عضو سابق حزب توده بعنوان توده ای اسم برده شده بود. که با حقیقت و بوق نسیبدم زیر مطابق اعلامی که افراد کاملا قابل اعتماد میدهند ایشان پس از وقایع آذربایجان از حزب توده کناره گیری کرده اند. بنابراین با اظهار تأسف از درج شدن این خبر آنرا جبران می نمایم.

بایسته شدن

بقیه از صفحه ۱

در این روز های تاریخی مجلس شورای ملی دست بیک اقدام بی سابقه زد و مجلس سنای فرمایشی را که تنها برای ترور پیشرفت های سریع ملت ایجاد شده بود و جمعی از سرسپردگان شرکت سابق برای حفظ منافع ارباب در آن اجتماع کرده بودند منحل کرد و دولت نیز بلافاصله این قانون را بپورده اجرا داد و در از تشکیل جلسات آن مجلس که جز یک پشروی اوضاع مملکت و تلاش در راه بازگرداندن شرکت سابق در آن عملی انجام نی گرفت جلوگیری بعمل آورد البته در این موقع «چاکران» بیکار نشدند و چون دستشان از همه جا قطع شده بود از یک طرف دست با اعلامیه پرانی و تحریکات علیه مجلس شورای ملی و دولت زدند و از طرف دیگر موافقتن در برین خود بینی توده ایها را که همیشه در مواقع حساس بدرد آنها میخورند به یک طلبیدند.

اگر بغض پرور داشته باشیم در فروردین سال گذشته آن هنگامی که «شیوخ» همین مجلس متین و دغریها و خوواجه نوری ها فعالیت دامنه داری را علیه دکتر مصدق شروع کرده بودند و میخواستند که دکتر را برینند و یک حکیم حاذق برای معالجه جراحات ایران بیاروند و کوچکترین عملی که باعث تصفیه دولت باشد یک مسلم «شیوخ» در انجام نقشه های شومشان بود آقایان توده ایها برای ایفاء وظایف همزیستی واقعه ۸ فروردین را ایجاد کردند و خودشان دولت دکتر مصدق و جبهه ملی را رابر سر برنگاه گیر آوردند. در این موقیعت نیز که طرح انحلال مجلس «سن» تصویب مجلس شورای ملی رسیده بود و شاهانیز بنا براده ملت این طرح را توشیح کرده بود لازم بود که آقایان توده ایها بساو بهمانند که در نبودن مجلس «چاکران» سلطنت تو در خطر است و الحاق این وظیفه را هم بخوبی انجام دادند. یعنی روز چهارم آبان با ایجاد یک صحنه ساختگی در خود را ایفاء کرده اند حال باید دید که چرا آقایان توده ایها پس از این تیر و بند از آن پس از مدتی سکوت بیاد مبارزه باشاه و در بار افتادن سکوت در طرفه سال که از عمر حزب توده می گذرد رژیم سلطنت در ایران برقرار نبوده است و عملیات دربار و درباریان خیلی شدیدتر از حال نبوده است! این نیست مگر اینکه این آقایان پیش از در پیش برد به باشاه میخواستند خود را بوسیله همین دستگاههای فاسد جل افه انجام دهد و معلوم است تصمصی که بغرض بوسیله آلت و ابزار ناقص و فاسد بکنه برای عملیاتی عس آن تصمیم ساخته شده بود اجرا آید چگونه از آب درمی آید بنظر ما دولت ملی دکتر مصدق بعد از انجام این عملیات تاریخی بایستی دست تصفیه و پرور داد از دستگاههای اداری بزند و اشخاص مغرب را که تاثیر وجودشان در خرابکاری کتر استانیورها نیست از داس امور حساس بردارد ممکن است این عمل مدت زیادی از وقت دولت و ملت را بگیرد ولی در عوض دیگر قوانین و تصمصیات بیجا و بیورد دولت نقش فرض نخواهد شد. یک نظر سطحی بسوه استفاده های که خود آنها و ملائین بزرگ با دست ادارات ژاندارمری و دادگستری و فرمانداریها و بخشدارها را از قانون اخیر راجع به جلوگیری و تعقیب اشرار کرده و میکنند صحت ادعای ما را بشبوت میرساند.

دکتر مصدق لایحه تعقیب احمد قوام را به مجلس تقدیم کرده است و می خواهد تا مناسب اصلی و حقیقی حادثه تاریخی می تیرا با کسب اجازه قانونی از مجلس شورای ملی تحت تعقیب قرار دهد. بای اینها ما علمایانی بود که دولت در دهفته گذشته انجام داد و بطوری که اشاره شد همه آنها جزء اقدامات لازم و ضروری هستند و اما باید دید که دولت از این پس باید چه اقداماتی را انجام دهد و چه می تواند بکنند!

اگر بغض پروریم افرات تکویم و از حدود واقع بینی خارج شویم نلیستی انتظار داشته باشیم که دولت جناب آقای دکتر مصدق با برداشتن سنگ بزرگی مثل مجلس منحل شده از راه اصلاحات در طرف چند روز ایران را بهشت برین کند و تمام مقاصد اجتماعی و اداری را اصلاح نماید. زیرا با لاهم سدهای بزرگی در راه اصلاحات هست که اول باید دولت به برداشتن آنها اقدام نماید.

ما هم آهنگ و موازی با یک دولت مستعمره ساخته شده اند و تمام بیج و بهره های آنک خورده آنها ساخته رو برداشته عوامل استعمار هستند و لا علاج دولت باید تصمصیات خود را بوسیله همین دستگاههای فاسد جل افه انجام دهد و معلوم است تصمصی که بغرض بوسیله آلت و ابزار ناقص و فاسد بکنه برای عملیاتی عس آن تصمیم ساخته شده بود اجرا آید چگونه از آب درمی آید بنظر ما دولت ملی دکتر مصدق بعد از انجام این عملیات تاریخی بایستی دست تصفیه و پرور داد از دستگاههای اداری بزند و اشخاص مغرب را که تاثیر وجودشان در خرابکاری کتر استانیورها نیست از داس امور حساس بردارد ممکن است این عمل مدت زیادی از وقت دولت و ملت را بگیرد ولی در عوض دیگر قوانین و تصمصیات بیجا و بیورد دولت نقش فرض نخواهد شد. یک نظر سطحی بسوه استفاده های که خود آنها و ملائین بزرگ با دست ادارات ژاندارمری و دادگستری و فرمانداریها و بخشدارها را از قانون اخیر راجع به جلوگیری و تعقیب اشرار کرده و میکنند صحت ادعای ما را بشبوت میرساند.

همه مترقبیم که قوانین اخیر بسیار لازم و خوب بوده اند ولی این دستگاهی که برای غنط منافع طبقه فاسد حاکم ساخته شده تمام آنها را بشیر و محرومین و آنجا که تکیه گاه دکتر مصدق و نهضت ملی هستند تعبیر و تفسیر و اجراء میکنند باید این دستگاه را تا حدود امکان هوش کرد و این بند را هم شکست.

قابل توجه جوانان ۱۶
کارگری «سر رشته داری ارتش»
حوزه ۱۶ (کارگری) از این پس روزهای یکشنبه ساعت ۷ بعد از ظهر در کلوبه مرکزی تشکیل خواهد شد. از کلیه اعضاء حوزه مزبور دعوت میشود در ساعت مقرر در حوزه شرکت نمایند.
مسئول حوزه ۱۶

حزب توده

بقیه از صفحه ۱

فطاسی خط مشی این مجموعه را روشن کند. در صفحه ۴ از همین مجموعه خلاصه ای از مذاکرات نوزدهمین کنگره حزب کمونیست شوروی آمده است بدون اینکه کوچکترین رابطه ای با مذهب داشته باشد. و در یک جای آن از قول (مانکوف) اینطور آمده است: «چنگ بین الملل اول باعث شد که با ایجاد کشور اتحاد جماهیر شوروی شکافی در جبهه سرمایه داری وجود آید چنگ جهانی دوم بر همه کشورهای سوسیالیستی افزود ولی چنگ سوم موجب انحلال نظام سرمایه داری خواهد شد.»

و پس از این اعتراف صریح آیا دیگر جایی برای دفاع از صلح و آن کتور بیچاره باقی میماند!

این آقایان بصراحت در انتظار چنگ سوم اند تا (سرمه داری منحل شود و شوروی فائق آید) این صریح تر می توان اعتراضی از دشمن گرفت! بعد باید توجه کرد به ناسازی که قریه ای الاستالین به یوگوسلاوی داده شده است. در صفحه ۹-۱۰ در باره اینکه «منتهای است عده زیادی از علما و مسلمانین میور یوگوسلاوی در زندان دولت یوگوسلاوی بسر میبرند» و دول سوزاخن برای این عده و بدد در صفحه ۱۴ مطلبی درام چنگ کرده آمده و اشاره شده است به «بازداشت گاهی» که بنام اردوگاه مهاجرین تحت نظر سازمان مال هست که ه میلیون نفر در آن بجان کشند تدریج محکوم هستند و فراموش کرده است که در شوروی چما ۲۲ میلیون نفر از همین بشر هاد زندانها و اردوگاههای کار اجباری بسر میبرند. البته توجه می کنید که اثبات حقیقی نلی ماضی نمی کند. چه در کره و چه در

هر جای دیگر زندان ها بالاخره خراب خواهد شد ولی گویا آنها که در اردوگاه سازمان ملی متعده شناخته شده اند از ترس بازداشتگاههای کار اجباری شوروی حاضرند زندگی سک داشته باشند و برنگردند. یعنی از دزد به رمال پناه برده اند.

باز در یک جای دیگر نوشته (صفحه ۱۴) که باید دانست که مخالفت اسلام با دول غربی که مقررات آنان دارای ضرر بیشتری برای بشریت است بیش از مخالفت آن بادل شرعی میباشد. و این مطلب در ضمن مقاله ای آمده است بعنوان (اصل چهار بلای که از امریستا نازل شده) خنده دار دفاعی است که در یک مورد

این مجموعه از عمل تزارهای روسی شده است. فقط بصرف اینکه اجداد تزارهای فعلی بوده اند. بنسایت اشاره ای که در یکی از مجلات هتنگی به تیر باران کتید امام رضا علیه السلام در مشهد بوسیله تزار ها شده است این مجموعه چنین نوشته (صفحه ۱۶) «ولی آن سبجه نامی از فاجعه زمان رضاشاه سابق نبرده بود و خواسته بای آن فاسد بکنم و رضاشاه دفع افسد زمان تزارها را بکنم. خنده دار نیست!

باز در جای دیگر (صفحه ۱۹) زیر عنوان (طومارهای مردم بمجلس) نوشته است که در ضمن چند هفته اخیر طومارهای پراز امضاء از محلات مختلف طهران به مجلس شورای ملی فرستاده شده که مردم ضمن آنها خواسته اند دولت با امریکا نیز مسانده انگلیس قطع رابطه کند

گفته از همه این مطالب که گویا غرض اصلی و گرداننده اصلی این شیبه شب بازی تازه را روشن و معرفی میکند یک جای پای اصلی دیگر درین مجموعه هست و آن اینکه گفته اند که انگلیس پیش از یکی از دهکوره های منولستان کمونیست که پشت جلد چاپ شده از امیان پیغمبر ما جرجیس را انتخاب کرده اند و نزدیک به ۵ صفحه از این مجموعه ۲۸ صفحه ای اختصاص داده شده است به شرح و توصیف زندگی مردم شوروی و جمهوریهای مختلف آن.

و دروس مطالب این نوع از مقالات ازین قرار است و البته توجه کنید که اینها همه در یک مجموعه دینی است ۱- نوزدهمین کنگره حزب کمونیست نزدیک به یک صفحه. ۲- خبرهای مهم از وضع مسلمانان شوروی - ۲ صفحه تمام و تازه بقیه هم دارد. بیاعکس و تعصبات ۳- ساختن تره عظیم تر کنستان شوروی و الخ ...

از اینها گذشته خبری درباره اینکه «تعلق آثار بهاداری تم هشتاد درصد طلاب علوم دینی (النیاز باغ) مبتلا به مرض مقاربتی هستند» و بعد تکذیب آن در صفحه ۱۳ - و پیاده است که این خبر و تکذیب آن هر دو بعنوان امانت بقامات روحانی است. بقیه در صفحه ۳

بقیه در صفحه ۳